

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

شعبده بازی

ترسی ز خدا کن	ای (ظالم بدجنس) ، کمی شرم و حیا کن
ترسی ز خدا کن	از جور و جفا صرف نظر ، مهر و وفا کن
ارزنده نباشد	بر قامت موزون تو ، زیبنده نباشد
ترسی ز خدا کن	دور از تن خود ، جامه چرکین دغا کن
گه (پیر و کبیری)	گاهی بنشانی به برت ، (طفل صغیری)
ترسی ز خدا کن	یعنی که پُر و خالی ، (کچکول گدا) کن
زندیق فسیقی	بیهوده چرا ؟ در پی تکفیر (وثیقی)
ترسی ز خدا کن	شرم است ، خجالت کش و ، زین کار ابا کن
با مهر اکادیب	باریب و ریا ، بس (سندی جعلی) ترتیب
ترسی ز خدا کن	آن (کاغذ امضا شده) ، در بیت خلا کن
باز همد فروشان	این (تهمت دمدار) ، چرا بستی به ایشان
ترسی ز خدا کن	بس ، نوکری ، بسته سر بی سر و پا کن

در راه شریعت منما ، دغدغه بازی
این کار عزازیل بود ، زودرها کن

یا شعبده بازی
ترسی ز خدا کن

لج کردند از راه ولج ، ترک خلع شد
(گیر و کلچی) گیر و برو سیر هوا کن

یعنی که فلج شد
ترسی ز خدا کن

چون زاغ و زغن ، بلبل خوشخوان میازار
این مرغ بهشتیست ، برو ترک جفا کن

ای بوم چتلخوار
ترسی ز خدا کن

از لحن ملیحش ، بدمد روح جدیدی
با گوش روان بشنو و ، هر درد دوا کن

امید و نویدی
ترسی ز خدا کن

تفسیر و معانی وی از ، آیه قرآن
ثابت کند از شرک تو و ، اهل ، ختا کن

با حجت و برهان
ترسی ز خدا کن

تاکی بشتابی پی ، آزار جنابش
انصاف کن و ، بیمی هم از ، روز جزا کن

تکفیر و عذابش
ترسی ز خدا کن

با (تاجر و بقال سیاسی) مشو همکار
از (طالب و ، از طالبه ها) ، راه جدا کن

با چادر و دستار
ترسی ز خدا کن

آنها همه در فکر زر و زیور و مالند
جادوگر و رمال ! چرا ؟ جمع طلا کن

چون مادر آند
ترسی ز خدا کن

بر صفحه تزویر تو ، تصویر عزیزان
اول برو و ، شیشه زنگیده جلا کن

برعکس ، نمایان
ترسی ز خدا کن

بعدا شنو از « نعمت » آواره ، پیامی
ای (ظالم بدجنس) ، کمی شرم و حیا کن

اینگونه کلامی
ترسی ز خدا کن

حالا سخنم سوی (نبیلی) که (غمینست)
تجدید نظر کرده و هم ، دینی ادا کن

(مسکین) حسینست
ترسی ز خدا کن

برنامه آزاده (برگشت به قرآن)
افسوس فدای هوس اهل شقا کن
روشنگر وجدان
ترسی ز خدا کن
لطفی کن و آقای (وثیق) ، آر ، دوباره
کز این عملت ، در دل ما مسکن و جا کن
فخری بتو داره
ترسی ز خدا کن
گر خواهش « نعمت » ز جفا می پذیری
تاریخ ، شهادت دهدت ، اینکه چه ها کن
قاصر و قصیری
ترسی ز خدا کن

(27 فبرور 2008)